

## حقیقت چیست؟ - شماره پنج

تسلیمی دهنده

Jeff Pippenger

2023-09-11

تاریخ پیشگویانه‌ای که در هفت تندر گشوده شده، تاریخی را که اکنون در آن به سر می‌بریم مشخص می‌کند. این راز پنهان بود تا زمانی که تاریخی که نماینده آن بود فرارسید. این زمانی است که تسلیمی دهنده، روح «راستی»، آن حقیقتی را آشکار می‌کند که یوحنا آن را «مکاشفه عیسی مسیح» نامید، زیرا عیسی مسیح حقیقت است. موضوع صرفاً این نیست که واژه «راستی» نمایانگر سرشت خداست. و نیز صرفاً این نیست که زبان‌شناس شگفت‌انگیزی آشکار کرده باشد که واژه عبری «راستی» در سراسر کتاب مقدس به شیوه‌هایی بس ژرف به کار رفته است. بلکه همچنین معجزه‌ای شگفت است که چون فهمیده شود، به کلید گشودن نبوت‌های کتاب مکاشفه بدل می‌شود و بدین‌سان تمام کتاب مقدس را می‌گشاید. اما این تنها برای کسانی است که مایل‌اند ببینند، بشنوند و آنچه در آن نوشته شده را حفظ کنند، زیرا زمان نزدیک است.

برای اینکه انسان‌ها «حقیقت» را چنان دریابند که به واسطه آن تقدیس شوند، حضور روح‌القدس لازم است. انسان‌ها می‌توانند واژه «حقیقت» را از نظر عقلانی درک کنند و حتی از اهمیت آن شگفت‌زده شوند، اما «حقیقت» باید خورده شود. باید درونی گردد و بخشی از تجربه انسان شود، زیرا این واژه قدرت آفرینشگر خدا را به کسانی منتقل می‌کند که می‌کوشند به صورت مسیح دگرگون شوند. یکی از نقاط آغازین پژوهش شخصی من درباره واژه عبری ترجمه‌شده به «حقیقت»، رجوع به عبرانی‌پژوهانی بود که آنان نیز به ماهیت شگفت‌انگیز واژه «حقیقت» و کاربرد آن در کتاب مقدس پرداخته‌اند. باین‌همه، دلیلی در دست نیست که باور کنیم فهم عقلانی آنان از واژه «حقیقت» ایشان را به مسیح رهنمون شده باشد.

این حقیقت نبوی که کلام باید با حضور روح‌القدس خورده شود، یادآور تعریف خواهر وایت از «روغن» در مثل ده باکره و نیز توصیف او از دو گروه از باکرگان است که در انتظار داماد هستند.

یک نماد در اغلب موارد بیش از یک معنا دارد، و معنا را باید با توجه به زمینه‌ای که نماد در آن قرار گرفته است تعیین کرد. نباید آن را بر اساس تعریف متخصص دستور زبان از واژه یا بر اساس دوره تاریخی‌ای که آن واژه در آن نوشته شده است تعریف کرد. الهی‌دانان ادونتیسیم به این دو رویکرد متوسل شده‌اند تا «حقیقت» را انکار کنند. نماد با زمینه‌ای که در آن به کار می‌رود تعریف می‌شود. در چارچوب روح نبوت، واژه «روغن» در مثل ده باکره دست‌کم چند چیز متفاوت را نشان می‌دهد، بسته به زمینه بخشی که «روغن» در آن آمده است. چرا یک گروه از باکره‌ها روغن دارند و گروه دیگر ندارند؟

جهانی در شرارت، در فریب و گمراهی، در خود سایه مرگ آرمیده است—خفته، خفته، چه کسانی رنج جان می‌کشند تا آنان را بیدار کنند؟ کدام صدا می‌تواند به آنان برسد؟ اندیشه‌ام به آینده می‌رود، هنگامی که علامت داده خواهد شد: «اینک داماد می‌آید؛ به استقبال او بیرون روید.» اما برخی در تهیه روغن لازم برای پر کردن چراغ‌هایشان درنگ خواهند کرد، و دیر هنگام خواهند فهمید که منشی که آن روغن نمایانگر آن است، قابل انتقال نیست. آن روغن پارسایی مسیح است. آن نمایانگر منش است، و منش قابل انتقال نیست. هیچ‌کس نمی‌تواند آن را برای دیگری تأمین کند. هر کس باید برای خود منشی پالوده از هر لکه گناه به دست آورد. Bible Echo، 4، مه 1896.

باکره‌های نادان منش لازم برای موفقیت در بحران قریب‌الوقوع را ندارند. آنان از پارسایی مسیح بی‌بهره‌اند. اما روغن نیز پیامی است، و روغن در مثل ده باکره در «روزهای آخر»، همان پیام هشدار نهایی است که در مکاشفه عیسی مسیح آشکار شده و باید شنیده، خوانده و نگاه داشته شود.

مسح‌شدگانی که در کنار خداوند تمامی زمین ایستاده‌اند، مقامی را دارند که زمانی به شیطان، کروب پوشاننده، داده شده بود. خداوند از طریق موجودات مقدسی که گرداگرد تخت او هستند، رابطه‌ای پیوسته با ساکنان زمین حفظ می‌کند. روغن زرین نماد فیضی است که خدا با آن چراغ‌های ایمانداران را تأمین می‌کند تا سوسو نزنند و خاموش نشوند. اگر چنین نبود که این روغن مقدس در پیام‌های روح خدا از آسمان فرو ریخته می‌شود، عوامل شر بر انسان‌ها به‌طور کامل تسلط می‌یافتند.

خدا بی‌حرمت می‌شود هنگامی که پیام‌هایی را که برای ما می‌فرستد نپذیریم. بدین‌سان روغن زرین را که می‌خواهد در جان‌های ما بریزد تا به کسانی که در تاریکی‌اند رسانده شود، رد می‌کنیم. هنگامی که ندایی برسد: «اینک داماد می‌آید؛ بیرون روید به استقبال او»، آنانی که روغن مقدس را نپذیرفته‌اند، که فیض مسیح را در دل‌های خود گرامی نداشته‌اند، همچون باکره‌های نادان خواهند دید که برای ملاقات خداوند خویش آماده نیستند. آنان در خود توان به دست آوردن آن روغن را ندارند و زندگی‌شان تباه می‌شود. اما اگر روح‌القدس خدا را بخواهیم، اگر چون موسی تضرع کنیم: «جلال خود را به من بنما»، محبت خدا در دل‌های ما ریخته خواهد شد. به‌وسیله لوله‌های زرین، روغن زرین به ما انتقال خواهد یافت. «نه به قدرت و نه به قوت، بلکه به روح من»، می‌فرماید خداوند لشکرها. با دریافت پرتوهای درخشان خورشید عدالت، فرزندان خدا همچون چراغ‌ها در جهان می‌درخشند. ۲۰، Review and Herald، ژوئیه ۱۸۹۷.

«روغن» همان پیام نهایی است که بار دیگر همان مکاشفه عیسی مسیح است. در این فراز، کسانی که می‌خواهند آن روغن را داشته باشند، باید همان‌گونه که موسی در غار حوریب کرد، به درگاه خدا التماس کنند. اما توجه کنید که اگر بناست «همچون موسی التماس کنیم» تا خدا «جلال» خود را به ما «نشان» دهد، نخست باید روح‌القدس، همان تسلی‌دهنده، را بخواهیم. اگر چنین کنیم، آنگاه به‌واسطه فرشتگان و آن دو لوله زرین، از عدالت مسیح برخوردار خواهیم شد. اگر بیندیشیم می‌توانیم چنان‌که سنت‌ها و رسوم ادونتیسیم لائودیکیه‌ای توصیه می‌کند، برای شخصیت مسیح دعا و التماس کنیم، در حالی که هم‌زمان پیام مکاشفه عیسی مسیح را رد می‌کنیم، خود را فریب داده‌ایم. عدالت او از طریق «پیام‌های روح خدا» که به‌وسیله دو مسح‌شده‌ای که در پیشگاه تخت خدا ایستاده‌اند، به ما منتقل می‌شود. وقتی پیام او را رد می‌کنیم، عدالت او را رد می‌کنیم.

آنگاه من پاسخ دادم و به او گفتم: این دو درخت زیتون که بر جانب راست چراغدان و بر جانب چپ آن‌اند چیستند؟ و باز پاسخ دادم و به او گفتم: این دو شاخه زیتون که از میان دو لوله زرین روغن زرین را از خود می‌ریزند چیستند؟ و او به من پاسخ داد و گفت: آیا نمی‌دانی اینها چیستند؟ گفتم: نه، سرورم. آنگاه گفت: اینان دو مسح‌شده‌اند که نزد خداوند تمامی زمین ایستاده‌اند. زکریا ۱۴:۱۱-۱۴:۱۴.

آن دو «ممسوحانی که نزد خداوند تمامی زمین ایستاده‌اند» نیز به‌صورت دو شاهد مکاشفه باب یازدهم تصویر شده‌اند.

درباره دو شاهد، پیامبر علاوه بر این می‌گوید: «این‌ها دو درخت زیتون و دو چراغدان‌اند که در پیشگاه خدای زمین ایستاده‌اند.» «کلام تو»، مزمورنویس گفت، «چراغی است برای پاهایم و نوری برای راهم.» مکاشفه ۱۱:۴؛ مزمور ۱۱۹:۱۰۵. این دو شاهد نماینده نوشته‌های مقدس عهد عتیق و عهد جدیدند. مناقشه عظیم، ۲۶۷.

چه شهادت زکریا و چه شهادت یوحنا دربارهٔ دو شاهد را در نظر بگیریم، زمینهٔ هر دو شهادت همان فرایند ارتباط است که نخستین حقیقت ذکر شده در ارتباط با پیام مکاشفهٔ عیسی مسیح در کتاب مکاشفه، فصل یک، آیهٔ یک، به شمار می‌آید. از پدر، به پسر، به فرشتگان، به پیامبری، به کلیسا. فرایندی که مسیح از طریق آن با انسان‌ها سخن می‌گوید، یک درک اساسی است که او می‌کوشد در پیام هشدار نهایی آشکار کند. این با تأکیدی که در ارائهٔ هر دو پیام فرشتهٔ اول و سوم دیده می‌شود، همخوانی دارد.

پیام فرشتهٔ نخست به وسیلهٔ ویلیام میلر نمایانده شده است. میلر چندین ویژگی نبوی دارد که باید مورد شناسایی قرار گیرد. او «پدر» آن جنبش بود که از منظر آلفا و امگا ایجاد می‌کند که پسری نیز باشد. او جنبشی را نمایندگی می‌کرد که با نام «میلری» شناخته می‌شد؛ واژه‌ای که نام نوعی سنگ است. از او استفاده شد تا مجموعه‌ای از قواعد کتاب مقدسی برای تفسیر نبوت سامان دهد. آن قواعد به مؤلفه‌ای اساسی در رساندن پیام‌های روح خدا بدل شدند؛ پیام‌هایی که یا رد شدند یا پذیرفته شدند، زیرا هم‌نسلان میلر باید انتخاب می‌کردند که آیا وضعیت نادان لاودیکیه‌ای خود را حفظ کنند یا به فیلادلفیایی‌های خردمند تبدیل شوند. به عنوان پدر پیام فرشتهٔ نخست، او نمونهٔ جنبشی است که پیام فرشتهٔ سوم را اعلام خواهد کرد، و فهم آن جنبش از پیام نیز به وسیلهٔ مجموعه‌ای ویژه از قواعد کتاب مقدسی تفسیر نبوت هدایت خواهد شد که پیام فرشتهٔ سوم را همان قدر استوار بنا می‌نهند که خدا از میلر برای بنا نهادن پیام فرشتهٔ نخست استفاده کرد. خدا هرگز تغییر نمی‌کند؛ عیسی مسیح دیروز و امروز و تا ابد همان است.

فربخ نخرید، ای برادران عزیز من. هر بخشش نیکو و هر عطای کامل از بالا است و از پدر روشنایی‌ها فرود می‌آید؛ که نزد او نه دگرگونی‌ای هست و نه سایه‌ای از تغییر. او به ارادهٔ خود، به وسیلهٔ کلام حقیقت، ما را زاد تا ما گونه‌ای نویر از آفریدگان او باشیم. یعقوب ۱۶:۱-۱۸.

خواه در آغاز، خواه در پایان ادونتیسیم، پیام‌های روح خدا که روغن نمایانگرشان است، از طریق دو شاهد ابلاغ می‌شوند. در آغاز، نزد پیروان میلر، دو شاهد عهد عتیق و عهد جدید بودند و در پایان، کتاب مقدس و روح نبوت هستند. از همین رو یوحنا، که به کامل‌ترین وجه فرجام قوم خدا را در روزهای پایانی داوری تحقیقی نشان می‌دهد، در جزیرهٔ پاتموس بود.

من، یوحنا، که نیز برادر شما و همراه در تنگی و در پادشاهی و شکیبایی عیسی مسیح هستم، به خاطر کلام خدا و به خاطر شهادت عیسی مسیح در جزیره‌ای که پطمس نامیده می‌شود بودم. مکاشفه یوحنا ۹:۱.

فضای نبوی پاتموس نمایانگر آن است که یوحنا تحت آزار و اذیت بوده است. او به سبب دریافت پیام‌های روح خدا که مکاشفهٔ عیسی مسیح را از طریق کتاب مقدس و روح نبوت معرفی می‌کنند، مورد آزار و اذیت قرار می‌گرفت.

آزار و اذیت قوم خدا در «روزهای آخر» نیز در باب یازدهم مکاشفه به تصویر کشیده شده است، زمانی که دو شاهد در خیابان‌ها کشته می‌شوند و همه مرگ‌شان را جشن می‌گیرند. در باب یازدهم، آن دو شاهد ایلیا و موسی هستند. آنان سه سال و نیم شهادت دادند و سپس کشته شدند، اما پس از آن دوباره زنده شدند.

همهٔ پیامبران پیش از آنکه از تاریخ خود سخن بگویند، از ایام آخر سخن می‌گویند؛ پس اگر کتابی هست که دربارهٔ ایام آخر سخن می‌گوید، آن کتاب مکاشفه است، جایی که همهٔ کتاب‌های کتاب مقدس در آن به هم می‌رسند و پایان می‌یابند. بنابراین باید در ایام آخر «پیامی» باشد که کشته می‌شود و سپس دوباره زنده می‌گردد. مکاشفه فصل یازده تاریخ انقلاب فرانسه را به تصویر کشید، اما مستقیم‌تر

حمله‌ای علیه پیام فرشته سوم در ایام آخر را نشان می‌دهد. پیام و جنبشی که پیام و جنبش میلر نمونه آن بود، آن حمله را متحمل شد و در ۱۸ ژوئیه ۲۰۲۰ مرد. بر اساس مکاشفه فصل یازده، آن حمله توسط وحشی که از چاه بی‌انتها برمی‌آید انجام خواهد شد.

و چون شهادت خود را به پایان رسانند، آن وحش که از هاویه برمی‌آید با ایشان جنگ خواهد کرد و بر ایشان غالب خواهد شد و ایشان را خواهد کشت. و جسدهای ایشان در خیابان شهر بزرگ خواهند ماند، شهری که از نظر روحانی سدوم و مصر نامیده می‌شود، جایی که نیز خداوند ما مصلوب شد. مکاشفه ۱۱:۸، ۹.

خواهر وایت به ما می‌گوید که «چاه بی‌انتها» نشان‌دهنده ظهور جدیدی از قدرت شیطانی است.

«هنگامی که شهادت خود را به پایان رسانده باشند [در حال به پایان رساندن آن باشند].» دوره‌ای که در آن دو شاهد با جامه پلاس نبوت می‌کردند، در سال ۱۷۹۸ به پایان رسید. در حالی که به پایان کارشان در گمنامی نزدیک می‌شدند، قرار بود از سوی قدرتی که به صورت «وحش برآمده از هاویه» نمایانده شده است، بر آنان جنگ اعلام شود. در بسیاری از کشورهای اروپا، قدرت‌هایی که بر کلیسا و دولت حکم می‌راندند، قرن‌ها از طریق دستگاه پاپی تحت کنترل شیطان بودند. اما در این‌جا نمود تازه‌ای از قدرت شیطانی آشکار می‌شود. نبرد عظیم، ۲۶۸.

در کتاب مکاشفه سه قدرت شناسایی شده‌اند که از چاه بی‌انتها برمی‌آیند: نخستین آنها اسلام است در مکاشفه فصل نهم آیه دوم؛ دومی بی‌خدایی انقلاب فرانسه در فصل یازدهم آیه هشتم؛ و سومی روم نوین در فصل هفدهم آیه هشتم. «ظهور جدید» در ایام آخر که نه تنها به جنبشی که نمونه‌اش جنبش میلری است حمله خواهد کرد، بلکه به جهان نیز یورش خواهد برد، همان بیداری جعلی فریاد نیمه‌شب جعلی است که «وکیسم» نام دارد. وکیسم نمایانگر «تجلی جدید قدرت شیطانی» است که به وسیله ضد مسیح یسوعی کنونی پشتیبانی می‌شود و از طریق بازرگانان، رهبران سیاسی سازمان ملل متحد، نمایندگان لیبرال در کلیساهای سقوط کرده پروتستان‌یسم در ایالات متحده، و حزب دموکرات در همراهی با جمهوری خواهان RINO تبلیغ می‌شود؛ کسانی که یا خود همه انواع سبک‌های زندگی منحرف جامعه همجنس‌گرایان را ترویج می‌کنند یا اجازه ترویج آن را می‌دهند؛ همان‌گونه که در فصل یازدهم با عنوان «سدوم» نمایانده شده است. این سه قدرت جهان را به آرماگدون می‌کشاند و همچنین با «مصر»، نماد بی‌خدایی و دنیاپرستی، نمایانده می‌شوند. در بستر هرج و مرج انقلاب فرانسه - که خود یکی از عناصر این سه قدرت است و آنچه خواهر وایت «اتحاد شر» می‌نامد را شکل می‌دهد - این سه قدرت یا مستقیماً وکیسم را ترویج می‌کنند یا اجازه رواج آن را می‌دهند. وکیسم بدل شیطانی بیداری ده باکره است. در این زمینه‌ها مطالب بیشتری برای گفت‌وگو داریم، اما نخست باید به پیامدهای قتل‌ی که در خیابان و در ۱۸ ژوئیه ۲۰۲۰ رخ داد بپردازیم.

همچنین، خواننده عزیز، لطفاً درک کنید که من هیچ حمایتی برای ارائه به حزب جمهوری خواه ندارم. هیچ گرایش سیاسی‌ای وجود ندارد که به آن اعتماد داشته باشم. من صرفاً به پویایی‌های نبوی‌ای اشاره می‌کنم که در ایالات متحده، سازمان ملل متحد و نهاد پاپی وجود دارد. این پویایی‌ها زمانی به طور مشخص‌تری مورد بررسی قرار خواهند گرفت که شروع کنیم به پرداختن مستقیم به دو شاخه که از سال ۱۷۹۸ تا قانون یکشنبه با یکدیگر موازی‌اند.

ووک ایسم شیطانی که نمایانگر ندای نیمه‌شب جعلی است، پیش از ندای نیمه‌شب واقعی می‌آید و پیش از زمان ندای نیمه‌شب اصیل، آنانی که در خیابان‌ها کشته شده‌اند در نهایت یا جزو باکرگان نادان خواهند شد یا جزو باکرگان دانا. دوران بسته شدن نهایی شخصیت‌های ما، چه در قالب دسته‌ای مقدر برای آتش هلاکت و چه در قالب دسته‌ای برای انبار آسمانی، اکنون فرا رسیده است.

خواهر وایت بیان می‌کند که در زمان تأخیر، دوشیزگان نادان تاریخ میلری‌ها در برابر آن سرخوردگی امتحانی رفتاری متفاوت از دوشیزگان دانا نشان دادند؛ و این نشان می‌دهد که تا زمان تأخیر، شخصیت‌هایشان از پیش تثبیت شده بود. اما گواهی ارمیا به ما می‌گوید که می‌توانیم انتخاب کنیم نزد خدا بازگردیم و او نه تنها به سوی ما بازخواهد گشت، بلکه ما را دیوار مسین حصارداری در برابر شریران و زورآوران قرار خواهد داد، آنگاه که در بحران پیش رو به‌عنوان سخنگوی او به کار گرفته می‌شویم. در همان نقطه نبوی است که عیسی وعده می‌دهد ما را تسلی بخشد. این است معنای چهار فصل یوحنا که در متن تاریخ کنونی ما جای گرفته‌اند.

روغن، روح‌القدس است؛ هم منش است و هم پیام‌های روح خدا. روح خدا «تسلی‌دهنده» است. همان‌گونه که خدا جهان را چنان محبت کرد که پسر یگانه خود را داد، و همان‌گونه که عیسی وجود الهی خویش را فدا کرد تا با میل انسانی را که آفریده بود، تا ابد به‌عنوان بخشی از خود بپذیرد، روح‌القدس نیز که در این دوره عطا می‌شود، برای همیشه با ما خواهد ماند.

اگر مرا دوست دارید، فرامین مرا نگاه دارید. و من از پدر درخواست خواهم کرد و او تسلی‌دهنده دیگری به شما خواهد داد تا همیشه با شما بماند؛ یعنی روح راستی، که جهان نمی‌تواند او را بپذیرد، زیرا او را نمی‌بینند و او را نمی‌شناسند؛ اما شما او را می‌شناسید، زیرا او با شما ساکن است و در شما خواهد بود. شما را بدون تسلی رها نخواهم کرد؛ نزد شما خواهم آمد. یوحنا ۱۵:۱۴-۱۸.

این فداکاری روح در برگزیدن سکونت همیشگی در میان انسان‌ها، همپای فداکاری دو شخص دیگر سه‌گانه آسمانی است. شاید همان قدر که فداکاری روح، در آمادگی او برای زیستن تا ابد در درون تکتک نجات‌یافتگان، اهمیت دارد، این نکته نیز مهم باشد که آمدن «تسلی‌دهنده» در این برهه خاص از تاریخ، زمان مهر شدن قوم خدا برای ابدیت را مشخص می‌کند.

و روح‌القدس خدا را محزون نکنید، زیرا به‌وسیله او تا روز رستگاری مهر شده‌اید. افسسیان ۴:۳۰.

در آن تاریخی که وعده تسلی‌دهنده به‌طور کامل تحقق می‌یابد، یعنی در تاریخ صد و چهل و چهار هزار نفر، روح در ما «تا ابد» «ساکن» خواهد شد. هر مسیحی که شرایط انجیل را برآورده می‌کند، روح‌القدس را دریافت می‌نمود و بنابراین «تا روز رهانیدگی مهر می‌شد»، اما آن مهرشدن صرفاً به زمانی اشاره می‌کند که صد و چهل و چهار هزار نفر قرار است در این تاریخ کنونی مهر شوند. در افسسیان، آنان که «تا روز رهانیدگی مهر شده‌اند» در تقابل‌اند با کسانی که «روح‌القدس» را «محزون می‌سازند». آنان با امتناع از پذیرش الهامات روح خدا، روح‌القدس را محزون می‌سازند و بدین‌سان روغن زرین را رد می‌کنند. هنگامی که مسیح در این دوره ناامیدی وعده می‌دهد که «تسلی‌دهنده»، «روح راستی» را برای ما بفرستد، او وعده می‌دهد مهر خود را بر ما بنهد، و مهر او نمایانگر نگاه‌داشتن احکام اوست، به‌ویژه حکم سبت؛ همان روزی که یوحنا مکاشفه را دریافت کرد و همان موضوعی که به‌زودی جهان با آن روبه‌رو خواهد شد.

مهر شدن باکره‌های دانا پیش از آزمون قانون یکشنبه صورت می‌گیرد، زیرا در همان‌جا سرشت هر دو گروه دانا و نادان آشکار خواهد شد، و سرشت هرگز در بحران پرورده نمی‌شود؛ بلکه صرفاً آشکار می‌شود. مهر شدن، در کنار امور دیگر، نمایانگر دگرگونی از ذهنیت لاودیکایی به ذهنیت فیلادلفیایی است. مشکل اینجاست که برای تحقق آن دگرگونی، نخستین آزمون برای هر یک از ما این است که به‌راستی دریابیم که تا کنون لاودیکایی بوده‌ایم؛ زیرا به‌عنوان لاودیکایی‌ها نگرش اصلی روحانی ما این است که همه‌چیز روبه‌راه است، حال آن‌که در واقع همه‌چیز سراسر نادرست است. این نگرش باید کنار گذاشته شود؛ این یکی از چیزهای پست است که باید از گران‌بها جدا شود.

به محض آنکه قوم خدا بر پیشانی‌هایشان مهر شوند—این نه مهر یا نشانه‌ای است که دیده شود، بلکه استقرار در حقیقت است، هم از نظر عقلانی و هم روحانی، به گونه‌ای که نتوانند متزلزل شوند—به محض آنکه قوم خدا مهر شوند و برای تکان آماده گردند، آن خواهد آمد. در حقیقت، هم‌اکنون آغاز شده است؛ داوری‌های خدا اکنون بر این سرزمین است تا به ما هشدار دهد، تا بدانیم چه در راه است. تفسیر کتاب مقدس آدونتیست‌های روز هفتم، جلد ۴، ۱۱۶۱.

«تسل‌دهنده» ای که عیسی به شاگردانش وعده می‌دهد، که آنان را در زمان نومییدی تسل‌ی می‌بخشد، قوم خود را به تمامی حقیقت هدایت می‌کند، و ما از طریق «استوار شدن در حقیقت» مهر می‌شویم. «حقیقت»ی که قوم خدا باید در این مقطع در آن استوار شوند همان «حقیقتی» است که درست پیش از بسته شدن مهلت گشوده می‌شود، زیرا «زمان نزدیک است». آن حقیقت ساختار تاریخ پنهان هفت رعد است، و آن تاریخ پنهان، تاریخی را مشخص می‌کند که در آن مکاشفه عیسی مسیح گشوده می‌شود. تاریخ پنهان هفت رعد در همان زمانی تحقق خواهد یافت که آن «حقیقت» که به‌عنوان تاریخ پنهان معرفی شده، گشوده می‌شود. گشوده شدن آن «حقیقت» همان چیزی است که کسانی را که پیام از پیش مهرشده را می‌پذیرند مهر می‌کند.

قوم خدا پیش از تکان خوردن امت‌های خشمگین که در زمان قانون یکشنبه رخ می‌دهد و بدین‌سان ویرانی ملی را آغاز می‌کند، بر پیشانی‌هایشان مهر زده می‌شوند. مکاشفه عیسی مسیح همان «سخنان نبوت» کتاب مکاشفه است که دیگر نباید مهر و موم شود، زیرا زمان نزدیک است. این همان حقیقتی است که اکنون باید خوانده و شنیده و از همه مهم‌تر نگاه داشته شود، اگر بناست برکت یابیم.

یهودا، نه اسخریوطی، به او گفت: ای خداوند، چگونه است که خود را بر ما ظاهر خواهی ساخت و نه بر جهان؟ عیسی در پاسخ به او گفت: اگر کسی مرا دوست بدارد، سخنان مرا نگاه خواهد داشت؛ و پدر من او را محبت خواهد کرد، و نزد او خواهیم آمد و با او ساکن خواهیم شد. آن که مرا دوست نمی‌دارد، سخنان مرا نگاه نمی‌دارد؛ و کلامی که می‌شنوید از من نیست، بلکه از پدری است که مرا فرستاده است. این‌ها را، در حالی که هنوز با شما هستم، به شما گفته‌ام. اما تسل‌ی‌دهنده، یعنی روح‌القدس، که پدر به نام من خواهد فرستاد، او همه‌چیز را به شما تعلیم خواهد داد و هرآنچه به شما گفته‌ام به یادتان خواهد آورد. یوحنا ۱۴:۲۶-۲۳.

برای کسانی که پیامی را که مهرش گشوده می‌شود حفظ می‌کنند، وعده این است که «تسل‌دهنده» «همه چیز» - «هرآنچه» عیسی «به شما» گفته است - را به ما «تعلیم» خواهد داد. این همان وعده‌ای است که برای شاگردان عمواس و سپس برای یازده شاگرد تحقق یافت. وقتی مسیح دست خود را از چشمان شاگردان عمواس که «بازداشته» بودند برداشت و سپس «فهم» یازده شاگرد را «گشود» تا بتوانند کاملاً «کتاب مقدس را بفهمند»، او داشت وعده‌ای را برای ساکنان «ایام آخر» ثبت می‌کرد که از نومییدی خود بازمی‌گردند، از وضعیت لائودکیه‌ای خود توبه می‌کنند و «حقیقت» را می‌پذیرند. «تسل‌ی‌دهنده» در «ایام آخر» ضمن آنکه به ما «همه چیز» را تعلیم می‌دهد، «همه چیز را به» «یاد» ما خواهد آورد. همان قدر که بازآوردن حقایق گذشته به یاد ما هنگام تعلیم دادن «همه چیز» اهمیت دارد، او همچنین «چیزهایی را که خواهد آمد به ما نشان خواهد داد».

با این همه، حقیقت را به شما می‌گویم؛ برای شما سودمند است که من بروم، زیرا اگر بروم، تسل‌ی‌دهنده نزد شما نخواهد آمد؛ اما اگر بروم، او را نزد شما خواهم فرستاد. و چون بیاید، جهان را درباره گناه و عدالت و داوری ملزم خواهد ساخت: درباره گناه، زیرا به من ایمان نمی‌آورند؛ درباره عدالت، زیرا نزد پدر خود می‌روم و دیگر مرا نخواهید دید؛ و درباره داوری، زیرا رئیس این جهان محکوم شده است. هنوز چیزهای بسیار دارم که به شما بگویم، اما اکنون توان تحمل آنها را ندارید. اما وقتی او، روح حقیقت، بیاید، شما را به تمامی حقیقت هدایت خواهد کرد؛ زیرا از خود سخن نخواهد گفت، بلکه هرچه بشنود همان را خواهد گفت، و آنچه در پیش است به شما اعلام

خواهد کرد. او مرا جلال خواهد داد، زیرا از آن من خواهد گرفت و آن را به شما اعلام خواهد کرد.  
یوحنا ۱۶:۷-۱۴.

در این زمان، تسلی‌دهنده ما را به «حقیقت» «هدایت» خواهد کرد، «همه‌چیز» را به ما «تعلیم» خواهد داد، از جمله «آنچه در راه است»، زیرا در این زمان عیسی هنوز «سخنان بسیار»ی دارد که «به ما بگوید». آن چیزها، چه از «یادآوری» ما باشد، چه «امور آینده»، و چه «چیزهای بسیاری» که او «هنوز» باید به ما بگوید، همان است که ما را برای بحران پیش رو «مهر» می‌کند. چنین می‌کند، زیرا حقیقت او نمایانگر قدرت خلاقه اوست. او پیش از فرا رسیدن بحران پیش رو ما را مهر می‌زند، زیرا می‌خواهد ما از پیش از بزرگ‌ترین دوره آزار و تعقیب بر ضد قوم او که در تاریخ مقدس بی‌سابقه است آگاه شویم. این آزار به طور مشخص نشان می‌دهد که سخنان و اعمالی که در گذشته انجام داده‌ایم به یاد آورده خواهند شد و همان‌گونه که سخنان مسیح بر ضد او تحریف شد، علیه ما به کار گرفته خواهند شد. با این همه، ما باید پیام را همچون شهادتی بر ضد سرکشی آنان عرضه کنیم، همان‌گونه که حزقیال و مسیح چنین کردند.

آن سخنی را که به شما گفتم به یاد داشته باشید: بنده از سرور خود بزرگ‌تر نیست. اگر مرا آزار دادند، شما را نیز آزار خواهند داد؛ اگر کلام مرا ننگه داشتند، کلام شما را نیز ننگه خواهند داشت. اما همه این کارها را به خاطر نام من با شما خواهند کرد، زیرا فرستنده مرا نمی‌شناسند. اگر نمی‌آدمم و با آنان سخن نمی‌گفتم، گناهی نمی‌داشتند؛ اما اکنون برای گناه خود هیچ عذری ندارند. هر که از من نفرت دارد، از پدر من نیز نفرت دارد. اگر در میان آنان کارهایی را که هیچ‌کس دیگر نکرده بود انجام نداده بودم، گناهی نمی‌داشتند؛ اما اکنون هم دیده‌اند و هم از من و از پدرم نفرت ورزیده‌اند. اما این رخ می‌دهد تا کلامی که در شریعت ایشان نوشته شده به انجام رسد: «بی‌سبب از من نفرت ورزیدند.» ولی چون تسلی‌دهنده بیاید که او را از نزد پدر به سوی شما خواهم فرستاد، یعنی روح راستی که از پدر صادر می‌شود، او درباره من شهادت خواهد داد.  
یوحنا ۱۵:۲۰-۲۶.

«روح راستی» که «تسلی‌دهنده» است، درباره مسیح، که او «حقیقت» است، «شهادت خواهد داد». و آن «حقیقت» آلفا و امگا، اول و آخر، آغاز و انجام است. تاریخ پنهان هفت رعد که اکنون مهرش گشوده می‌شود، پیام مهر شدن صد و چهل و چهار هزار است. در پی ۱۸ ژوئیه ۲۰۲۰، ارمیا نمونه‌ای ارائه می‌دهد تا ما برگزینیم که نزد او که نخست ما را دوست داشت بازگردیم. در انجام آن کار بازگشت، مسئولیت داریم که گران‌بها را از پست جدا کنیم. اگر نجات خود را با ترس و لرز به عمل آوریم و آن کار را به انجام رسانیم، مهر خواهیم شد و فوراً وارد بزرگ‌ترین بحران تاریخ زمین خواهیم شد. همچنین سعادت آن را خواهیم داشت که تاریخی را تجربه کنیم که پیامبران، پادشاهان و عادلان آرزوی دیدنش را داشته‌اند.

آنانی که آن کار را بر عهده می‌گیرند و باز می‌گردند «در نوری که از تخت خدا ساطع می‌شود گام خواهند زد»، و «به واسطه فرشتگان، ارتباطی دائمی میان آسمان و زمین برقرار خواهد بود»، که همان فرایند ارتباطی معرفی شده در آیه آغازین کتاب مکاشفه است.

همه مردم این جهان در کنار دشمن خدا قرار نگرفته‌اند. همه بی‌وفا نشده‌اند. هنوز عده اندکی هستند که به خدا وفادار مانده‌اند؛ زیرا یوحنا می‌نویسد: «اینجا کسانی هستند که احکام خدا و ایمان عیسی را نگاه می‌دارند.» مکاشفه ۱۴:۱۳. به زودی نبردی سخت میان آنان که خدا را خدمت می‌کنند و آنان که او را خدمت نمی‌کنند در خواهد گرفت. به زودی هرآنچه بتوان لرزاند، لرزاند خواهد شد تا آنچه نتوان لرزاند، باقی بماند.

شیطان شاگردی سخت‌کوش کتاب مقدس است. او می‌داند که زمانش کوتاه است، و در هر قدم در پی مقابله با کار خداوند بر این زمین است. نمی‌توان هیچ تصویری از تجربه قوم خدا که در آن هنگام که جلال آسمانی با تکرار آزارهای گذشته درهم می‌آمیزد، بر زمین زنده خواهند بود، به دست داد. آنان در نوری که از تخت خدا ساطع می‌شود راه خواهند رفت. به واسطه فرشتگان، میان آسمان و زمین ارتباطی مداوم برقرار خواهد بود. و شیطان، در میان حلقه‌ای از فرشتگان شرور و با ادعای خدابودن، هرگونه معجزه‌ای انجام خواهد داد تا اگر ممکن باشد حتی برگزیدگان را نیز فریب دهد. قوم خدا امنیت خود را در انجام معجزات نخواهند یافت، زیرا شیطان معجزاتی را که پدید خواهد آمد تقلید خواهد کرد. قوم آزموده و امتحان‌شده خدا قدرت خود را در آن نشانه‌ای خواهند یافت که در خروج ۳۱:۱۲-۱۸ از آن سخن رفته است. آنان باید بر کلام زنده بایستند: «مکتوب است». این یگانه بنیادی است که بر آن می‌توانند با اطمینان بایستند. کسانی که عهد خود را با خدا شکسته‌اند، در آن روز بی‌خدا و بی‌امید خواهند بود.

پرستندگان خدا به‌ویژه به سبب رعایت فرمان چهارم ممتاز خواهند شد، زیرا این نشانه قدرت خلاقه خداست و گواهی بر حق او بر احترام و پرستش انسان. بدکاران به سبب تلاش‌هایشان برای برچیدن یادبود خالق و بزرگ‌داشت نهاد روم متمایز خواهند شد. در فرجام این کشمکش، تمام دنیای مسیحیت به دو طبقه بزرگ تقسیم خواهد شد: آنان که احکام خدا و ایمان عیسی را نگاه می‌دارند، و آنان که وحش و تمثال او را می‌پرستند و نشان او را می‌پذیرند. هرچند کلیسا و دولت قوای خود را متحد خواهند کرد تا همه، «کوچک و بزرگ، غنی و فقیر، آزاد و برده»، را وادارند که نشان وحش را بپذیرند، با این همه قوم خدا آن را نخواهند پذیرفت. مکاشفه ۱۳:۱۶. نبی پطمس می‌بیند «آنانی را که بر وحش و بر تمثال او و بر نشان او و بر عدد نام او پیروز شده‌اند، ایستاده بر دریای شیشه‌ای، در حالی که چنگ‌های خدا را دارند»، و سرود موسی و بره را می‌سرایند. مکاشفه ۱۵:۲.

"آزمایش‌ها و ابتلائات هراس‌انگیز در انتظار قوم خداست. روح جنگ، ملت‌ها را از یک سوی زمین تا سوی دیگر پرمی‌انگیزد. اما در میانه زمان تنگی‌ای که در راه است—زمانی از تنگی که ماندنش، از وقتی که ملتی وجود داشته، هرگز نبوده است—قوم برگزیده خدا استوار خواهند ایستاد. شیطان و سپاهش نمی‌توانند ایشان را نابود کنند، زیرا فرشتگانی که در قوت برترند ایشان را محافظت خواهند کرد." شهادت، جلد ۹، ۱۵-۱۷.

ارزش دارد به این نکته توجه کنیم که این بخش، پایان فصلی است که در صفحه یازدهم جلد نهم «گواهی‌ها» آغاز می‌شود؛ جلدی که می‌توان آن را نمایانگر نه-یازده دانست. همچنین شایسته است یادآور شویم که عنوان درباره داماد در راه است و نیز به جداول حبقوق اشاره دارد؛ همان جایی که پولس آیه‌ای را که در رساله به عبرانیان نوشته، از آن اقتباس کرده بود. آغاز فصل، تاریخی را نشان می‌دهد که در ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ شروع شد، دو لوح پیمان نبوت را که در آغاز ادونتیس منعقد شد، و نیز اینکه عنوان «آخرین بحران» است که آخرین فریاد نیمه‌شب را مشخص می‌کند. پایان فصل با آغاز آن کاملاً همسو است، زیرا هم آغاز و هم پایان به بحران نهایی می‌پردازند.

بخش ۱- برای آمدن پادشاه

«هنوز اندک زمانی دیگر، و آن که باید بیاید خواهد آمد و درنگ نخواهد کرد.» عبرانیان ۱۰:۳۷.

آخرین بحران

ما در زمان پایان زندگی می‌کنیم. نشانه‌های زمانه که شتابان در حال تحقق‌اند اعلام می‌کنند که آمدن مسیح نزدیک است. روزگاری که در آن زندگی می‌کنیم، خطیر و مهم است. روح خدا به تدریج، اما به‌طور یقینی، از زمین بازپس گرفته می‌شود. بلاها و داورها همین اکنون بر خوارشمارندگان

فیض خدا فرود می‌آیند. مصیبت‌ها در خشکی و دریا، نابسامانی جامعه، و هشدارهای جنگ، بیم‌انگیزند. آن‌ها از رویدادهای عظیم در شرف وقوع خبر می‌دهند. گواهی‌ها، جلد ۹، ص ۱۱.

اگر بازگردیم و دعوت والای «دهان» خدا بودن را، چنان‌که ارمیا نمایانگر آن بود، بپذیریم، بسیار به زودی در بزرگ‌ترین گردآوری تاریخ مقدس شرکت خواهیم کرد.

او همچنین سخنانی از امید و شجاعت به آنان گفت و فرمود: «دل شما مضطرب نشود؛ به خدا ایمان دارید، به من نیز ایمان داشته باشید. در خانه پدر من منزل‌های بسیار است؛ اگر چنین نبود، به شما می‌گفتم. می‌روم تا برای شما جایی آماده کنم. و اگر بروم و برای شما جایی آماده کنم، باز خواهم آمد و شما را نزد خود خواهم گرفت، تا هر جا که من هستم، شما نیز باشید. و می‌دانید کجا می‌روم و راه را نیز می‌دانید.» یوحنا ۱۴:۴. به خاطر شما به جهان آمدم؛ برای شما پیوسته کار کرده‌ام. وقتی بروم نیز همچنان با جدیت برای شما کار خواهم کرد. به جهان آمدم تا خود را بر شما آشکار کنم تا ایمان بیاورید. به سوی پدر خود و پدر شما می‌روم تا به سود شما با او همکاری کنم.

«به راستی، به راستی به شما می‌گویم: هر که به من ایمان آورد، کارهایی را که من می‌کنم او نیز خواهد کرد؛ و کارهایی بزرگ‌تر از این نیز خواهد کرد، زیرا نزد پدر خود می‌روم.» یوحنا ۱۴:۱۲. مقصود مسیح از این سخن این نبود که شاگردان کوشش‌هایی والاتر از آنچه او کرده بود انجام دهند، بلکه این بود که کار ایشان از نظر بزرگی و گستره عظیم‌تر باشد. او تنها به انجام معجزات اشاره نداشت، بلکه به هر آنچه به واسطه روح القدس رخ خواهد داد. «وقتی تسلی‌دهنده بیاید»، فرمود، «که او را از نزد پدر نزد شما خواهم فرستاد، یعنی روح راستی که از پدر صادر می‌شود، او درباره من شهادت خواهد داد؛ و شما نیز شهادت خواهید داد، زیرا از آغاز با من بوده‌اید.» یوحنا ۱۵:۲۶، ۲۷.

این سخنان به گونه‌ای شگفت‌انگیز تحقق یافتند. پس از نزول روح القدس، شاگردان چنان از محبت نسبت به او و نسبت به کسانی که او به خاطرشان جان داد سرشار شدند که دل‌ها با سخنانی که می‌گفتند و دعاهایی که به‌جا می‌آوردند نرم می‌شد. آنان با قدرت روح سخن می‌گفتند؛ و تحت تأثیر آن قدرت، هزاران نفر ایمان آوردند. اعمال رسولان، 21، 22.